

بسم الله الرحمن الرحيم

آسیب شناسی تربیتی محبت به اهل بیت (ع)

حسن ملایی [1]

مقدمه

از روزگار نوجوانی و در مناسبات مربوط به بزرگداشت ائمه معصومین (ع) مخصوصاً دهه محرم، همواره این سؤال در ذهنم بود که اینکه مردم می گویند: «هر کس به اهل بیت پیامبر ص، محبت داشته باشد، اهل بهشت است» و با تکیه بر آن، مرتکب انواع خطاها و گناهان می شوند، تا چه حد درست است و چه توجیه منطقی دارد. آنها البته به روایاتی نیز تمسک میجویند از جمله حدیث «حَبَّ عَلَيَّ حَسَنَةُ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سِئَةٌ» [2] دوست داشتن حضرت علی، حسنه ای است که با داشتن آنها، هیچ گناهی به انسان ضرر نمی زند» و البته شاعرانی هم بوده و هستند که همین مضمون را به شعر در می آورند. از طرفی برایم عجیب بود که چطور با این همه تأکید قرآن بر لزوم تقوا و عمل صالح و نیز، گفتار امامان بزرگواری که مکرراً به تقوا و انجام اعمال نیکو و رعایت دستورهای الهی، سفارش نموده و در مناجات و راز و نیاز خود با پروردگار جهان، با اشک و آه، چنین خواسته ای را مطرح کرده اند، چگونه نسبت به معبان خود، چنین سخنی گفته و خدای ناکرده، موجب اباحی گری و سستی در ایشان شده اند؟ آخر مگر محبت به معصومین (ع) ، چه براتی است که حتی خداوند حکیم، حفظ و حمایت خود از دارندگان آن را ولو اینکه دستوراتش را زیر پا بگذارند، بر خود لازم و حتمی می داند؟

لزوم فهم صحیح دین از متن دین

یکی از آسیب ها در حوزه معرفت دینی و در بین دین شناسان، اطمینان به ذهنیت خود و عدم جستجو از فهم درست واژه یا جمله ای است که در قرآن و سنت وجود دارد که طبعاً باید در این زمینه به متخصصان علوم اسلامی مراجعه کرد. به عنوان نمونه، معمولاً چنین است که وقتی عموم مردم با واژه «شُکر» مواجه می شوند، از آن، شناخت و آگاهی از لطف و مرحمتی که به او شده و قدردانی زبانی از کسی که با ما این لطف را نموده، فهمیده می شود. با این ذهنیت وقتی که به آیات و روایات تشویق

کننده و بلکه دستور دهنده به شکر و قدردانی، برخورد می کنند، شناخت لطف و تشکر زبانی از لطف کننده را می فهمند و به آن عمل می کنند؛ در حالی که شکر، در فرهنگ قرآن و اهل بیت ع از مفهومی گسترده تر برخوردار است و علاوه بر شناخت نعمت و قدردانی زبانی، شامل به کارگیری درست آن نعمت در جهت رضایت خدای سبحان نیز می شود. در همین رابطه امام جعفر صادق ع می فرماید: «شکر النعمه اجتناب المحارم و تمام الشکر قول الرجل الحمد لله رب العالمین»؛ [3] شکر نعمت، دوری نمودن از حرام های پروردگار است و تمام شدن آن با جمله الحمد لله رب العالمین است».

ملاحظه می فرمایید که این نحوه شکرگزاری برای بسیاری از مردم، نا آشنا و در عین حال، سخت و دشوار است و درست به همین دلیل فضیلت بسیار دارد. شناخت درست از واژه شکر در متون دینی، کم کم باعث فهم و پی بردن به حکمت آیاتی می شود که قرآن کریم در آنها، شکرگزاران واقعی را کم شمرده و فرموده: «وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشُّكُورِ»؛ [4] بندگانی که شاکر (واقعی) باشند، کم هستند»

سابقه تاریخی برداشت غلط از محبت به ائمه (ع)

انبوه روایاتی که در این زمینه وجود دارد نه تنها خبر از اهمیت عمل صالح در کنار محبت امامان بزرگوار می دهد، بلکه همان طور که در قبل نیز آمد، نشان می دهد که تفکر جدایی محبت از اطاعت اهل بیت ع، تفکر غلطی بوده که از هزار و چهارصد سال قبل، یعنی در دوران خود معصومین نیز رواج داشته است. برخی، با توجه به توجیهاتی که عالمان اهل سنت درباره ولایت حضرت علی (ع) در روز عظیم غدیر خم می کنند - و آن را به محبت و نه ولایت (که متضمن اطاعت و تبعیت است) تفسیر می نمایند - گمان دارند که موضوع محبت و دوستی قلبی و نه عملی، با حضرت علی و فرزندان معصوم وی، از باورهای اهل سنت است؛ چرا که آنها با همه سفارش هایی که رسول خدا ص در طول 23 سال راجع به حضرت علی ع نمود و اوج آن پس از آخرین حج ایشان و در روز غدیر خم بود، محبت به حضرت را فقط به دوستی قلبی، معنا

نموده و اطاعت عملی از وی را که همان ولایت اوست، قبول ندارند؛ البته این اندیشه، گمان باطلی است و در کتاب های مربوط به امام شناسی به آنها پاسخ محکم داده شده است.

اما باید بدانیم که این امر، مخصوص به اهل سنت نیست! اگر چه آنها به طور رسمی بین محبت و اطاعت اهل بیت (ع) جدایی می اندازند، اما در کتاب های روایی ما احادیث دیگری هم وجود دارد که حاکی از وجود این تفکر غلط - البته به طور غیر رسمی - حتی در جامعه شیعه و در نتیجه، رواج روحیه اباحی گری و عدم التزام به دستورات الهی، بوده است و معصومین همواره در صدد محو این اندیشه اشتباه بوده اند. به عنوان نمونه می توان به روایت محمد بن مارد اشاره نمود که می گوید: به حضرت صادق ع عرض کردم، برای ما حدیثی روایت شده که شما فرموده اید: «چون معرفت (به امامت ما) پیدا کردی پس هر چه خواهی بکن» فرمود: «آری، من این را گفته ام» عرض کردم: «اگر چه زنا کنند، یا دزدی کنند یا شراب بنوشند؟» ایشان فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». بخدا سوگند ما به انصاف رفتار نکردند. زیرا چگونه وقتی که خود ما به کردارمان مؤاخذه می شویم، اما تکلیف از آنها برداشته شده باشد؟ همانا من گفتم: چون معرفت (به امام خود) پیدا کردی هر چه خواهی کم یا زیاد از کار خیر انجام ده که از تو پذیرفته می شود». [5]

ملازمه محبت با اطاعت و عمل

حال که به ضرورت رجوع به متن و سخنان معصومین (ع) برای درک درست واژه های دینی پی بردیم، به سراغ شناخت حقیقت «محبت به اهل بیت (ع)» - با آن همه آثار فوق العاده - از زبان خود اهل بیت ع می رویم؛ بدیهی است که فواید و آثار فراوانی که درباره محبت به معصومین گفته شده، در صورتی محقق می شود که منظور و مفهوم صحیح محبت به ائمه (ع) در قلب انسان، تحقق پیدا کرده باشد. در این زمینه احادیث نیز، به تنهایی گویاست:

1. حضرت علی (ع) فرمود: «من احبنا فليعمل بعملنا و ليتجلبب الورع» [6] هر کس ما را دوست دارد، پس باید همچون عمل ما، رفتار

کند و تقوا را پیراهن خود نماید». ملاحظه می کنید که این سخن شریف، اولین لازمه محبت به معصومین ع را اطاعت و دومین لازمه آن را پرهیزگاری و تقوایی که سراسر وجود انسان، اعم از افکار، عواطف و رفتار را فراگیرد، دانسته است (مفهوم کلمه یتجلبب) چرا که به فرموده قرآن: «وَلَبَّاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ» [7]

2. از جابر جعفری نقل شده که امام محمد باقر (ع) به من فرمود: «ای جابر، اینکه مردی بگوید: من علی (ع) را دوست دارم و از دوستان او هستم آیا کافی است؟ پس اگر بگوید من رسول خدا ص را دوست دارم - [که بهتر است] زیرا رسول خدا ص از علی (ع) بهتر است - ولی از سیره او پیروی ننماید و به سنتش عمل نکند، این دوستی برای او هیچ سودی نخواهد داشت. پس تقوای خدا را پیشه نمایید و برای آنچه نزد خداست، عمل کنید؛ زیرا بین خدا و هیچ کس، قرابت و خویشاوندی نیست. محبوب ترین بندگان نزد خداوند و گرامی ترین آنها در پیشگاه او، با تقواترین و مطیع ترین آنهاست. ای جابر، جز با اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال، تقرب به او حاصل نمی شود. تنها محبت و دوستی ما (آل محمد) باعث رهایی از آتش نیست و هیچ یک از شما بر خدا حجتی ندارد. هر کس مطیع خداست، ولی و دوستدار ماست و هر کس نافرمانی خدا را نماید، با ما دشمن است. ولایت ما اهل بیت (ع)، جز با عمل [به دستورات الهی] و پرهیز از گناه به دست نمی آید.» [8]

3. حضرت مهدی (عج) نیز فرموده اند: «فَيَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَاقُرْبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا» [9] هر کس از شما، باید عملی انجام دهد که او را به محبت ما نزدیک می کند و از آنچه که موجب ناخشنودی و خشم ما می شود، دوری نماید».

تقسیم محبان ائمه (ع)، بر اساس عمل

بر اساس آنچه در تفسیر محبت اهل بیت (ع) گفته شد، طبق سخن خود اهل بیت (ع)، محبان آنها به دو دسته کلی تقسیم می شود که این تقسیم بندی در نحوه ورودشان به بهشت، تأثیر بسزایی دارد. در این زمینه احادیث زیبا و گویایی وجود دارد که وضعیت دوستان اهل بیت (ع)

را به روشنی، تبیین می نماید، که تنها ذکر یکی از روایات تأمل بر انگیز برای دستیابی به حقیقت مطلب کافی است.

رسول اکرم (ص) فرمود:

«همانا ولایت و محبت حضرت علی (ع) حسنه ای است که با وجود آن، هیچ یک از گناهان - و لو بزرگ باشد - ضرر نمی رساند، مگر آن بلایای دنیوی و برخی عذاب های اخروی که برای تطهیر و پاکی اهل گناه، بر ایشان نازل می شود تا اینکه بالاخره به واسطه شفاعت ائمه طیبین و طاهرین از آن نجات یابند؛ و همانا پذیرش ولایت دشمنان و مخالفان حضرت علی (ع) گناهی است که با وجود آن، هیچ عمل خوبی، فایده ای نمی رساند مگر مزایای دنیوی نظیر نعمت و صحت و وسعت رزق؛ اما پس از مرگ به سوی آخرت خواهند رفت در حالی که فقط عذاب همیشگی در انتظارشان خواهد بود.»

سپس ایشان فرمود: «کسی که ولایت علی (ع) را انکار کند، هرگز بهشت را نخواهد دید مگر آن جایگاهی که در صورت موالات او، قرار بود جایگاه و منزلگاه او باشد که آن هم موجب حسرت و پشیمانی آن شخص خواهد بود؛ و قطعاً کسی که ولایت علی (ع) را بپذیرد و از دشمنانش بیزاری بجوید و تسلیم دوستان وی باشد، هرگز آتش جهنم را نخواهد دید مگر آن جایگاهی که در صورت انکار ولایت او، قرار بود در آنجا مأوا بگیرد، البته در صورت اسراف بر نفس خود و ارتکاب گناهان - به جز کفر - به مقداری که با آتش جهنم نظیف و پاکیزه گردد - همچون پاکی کثافت بدن با حمام - در آنجا خواهد بود، آنگاه با شفاعت موالی و ائمه خویش از آنجا منتقل خواهد شد.» و بعد فرمود: «ای جماعت شیعیان! از خدا بترسید زیرا بهشت از دست شما نمی رود اگر چه کردار زشت تان موجب کندی و تأخیر شما در رسیدن به آن شود، بنابراین در رسیدن و به دست آوردن درجات بهشت بر یکدیگر رقابت جوید.»

شخصی از آن حضرت سؤال کرد: «آیا کسی از دوستان شما و دوستان علی (ع) وارد دوزخ می شود؟» فرمود: «هر کس جانش را با مخالفت محمد (ص) و علی (ع) آلوده سازد و کارهای حرام را انجام دهد و به

مؤمنین و مؤمنات ستم ورزد و با برنامه و مرام دین، مخالفت کند، روز قیامت کثیف و آلوده خواهد بود. پس حضرت محمد (ص) و علی (ع) به او می گویند: فلانی تو کثیفی و لیاقت همراهی با موالیان و سروران خود را نداشته و شایستگی مؤانست با حوریه های بهشتی و فرشتگان مقرب را نداری، بنابراین به آنچه در آن جاست نخواهی رسید مگر این که خویش را از گناهانت پاک سازی. پس او را به طبقه بالای دوزخ می برند تا کیفر بعضی از گناهان خویش را ببیند.»

برخی از آنها به کیفر گناه خود، مبتلا به سختی و گرفتاری های روز محشر می شوند، سپس ائمه و موالیان آنها، بعضی از بهترین شیعیان خود را سراغ آنها می فرستند و آن مبتلایان را از گوشه و کنار برچینند؛ آن طوری که پرنده دانه را برچینند. بعضی دیگر از ایشان، کسانی هستند که گناهشان کمتر از این دسته است و آنها با شدائد دنیا و ابتلاء به ناملایمات حکومت های طاغوتی وقت و دیگران و یا با آفات و امراض جسمی، از گناه پاک می شوند تا زمان ورود به قبر، پاک باشند. بعضی از آنها نیز که تا زمان فرارسیدن مرگ، از گناهش پاک نشده اند، با سختی جان کندن، تطهیر می گردند و اگر هنوز، چیزی از گناه او باقیمانده باشد، وقت مردن دچار پریشانی می شود، به طوری که اطرافیان او کم می شوند و از این جهت، خوار جلوه می کند و این کفاره گناهش است، باز اگر چیزی باقی باشد، مقداری در کنار قبر، معطل می ماند و دفن جنازه اش، با سختی انجام می شود، به طوری که مردم متفرق می شوند و این نیز سبب پاکی از گناه است؛ و اگر گناهانش بزرگتر و بیشتر از این باشد به عرصه ها و شدائد روز قیامت مبتلا شود و اگر باز هم از آن بیشتر باشد، در طبقه بالای دوزخ تطهیر می شود و این دسته از دوستان ما گناهشان از دیگران بیشتر و عذابشان شدیدتر است، آنها شیعه ما نیستند؛ بلکه فقط در زمره دوستان هستند که دوستان ما را دوست دارند و با دشمنان ما دشمن هستند. همانا شیعه ما کسی است که دنبال ما بیاید و از سخن و سیره ما پیروی کند، و به کردار ما اقتدا نماید».[10]

راجع به این روایت انسان ساز، نکاتی وجود دارد:

اول. بلاها و عذاب های دنیوی که به انسان مؤمن می رسد، دو قسم است: برخی از آنها بر مؤمن گناهکار فرود می آید تا کفاره گناهانش باشد که در این روایت ذکر شد، اما برخی از بلاها بر مؤمن کامل نازل می شود تا باعث رسیدن به درجات بالاتر بهشت باشد نه کفاره گناه؛ چرا که آنها گناهی ندارند و این مطلب در روایات دیگر نیز آمده است.

دوم. محبت به اهل بیت (ع) ، مثل ایمان به خدای سبحان، دارای درجاتی است و اعمال صالح، میزان خلوص آن را معین می کند و هر قدر که از خلوص آن کم شود، اثرات جانبی آن شخص را دچار گرفتاری ها می کند

سوم. این نکته قابل توجه است که روایت مذکور، همان سخن مشهور در میان مردم است که به صورت ناقص و فقط جمله اول آن در زبان ها جاری شده و به فرهنگ اشتباهی تبدیل شده است؛ در حالی که متن کامل روایات، سخن دیگری می گوید که لازم است همگان نسبت به مطالعه آن اقدام نمایند.

چهارم. همه محبان اهل بیت (ع) ، در صورتی که با این حب، از دنیا بروند (توجه کنید: با حب از دنیا بروند چرا که برخی به خاطر گناهان، محبت اهل بیت (ع) را هم از دست داده و بدون حب از بین می روند) سرانجامشان بهشت است و لکن ایشان، با در نظر گرفتن اعمالشان به دو دسته تقسیم می شوند. دسته اول، محب مطیع یا همان شیعه واقعی هستند که بلافاصله و بدون عذاب، مستقیماً به بهشت می روند و بسیاری از آثار ذکر شده درباره محبت به معصومین برای آنهاست. دسته دوم، محبین گناهکار هستند که برای پاک شدن و یافتن لیاقت برای ورود به بهشت، باید به میزان گناहانی که مرتکب شده اند به بلاها و عذاب های دنیا و برزخ و جهنم، مبتلا و تطهیر شوند و سپس وارد بهشت گردند.

با توجه به انبوه آیات عذاب در قرآن کریم، این واقعیت را نیز به خوبی می دانیم که بلاها، عذاب ها، شکنجه های قبر و برزخ و به ویژه دوزخ، چقدر وحشتناک و غیر قابل تحمل است؛ به گونه ای که به گزارش قرآن کریم، جهنمیان از شدت درد، تقاضای مرگ می کنند.[11] توجه به این

آیات برای عدم انجام گناه به بهانه اینکه «بالاخره به بهشت می رویم، پس یک مقدار گناه مشکلی ایجاد نمی کند» بسیار مهم و حایز اهمیت است؛ زیرا ارتکاب گناه با این توجیه، یکی از مکرهای شیطان است.

صلوات خدا بر مُحبّ مطیع (شیعه)

پایان این نوشتار، ذکر دعای پیشوای بازمانده کربلا امام سجاد (ع) و درخواست صلوات و درود الهی برای دوستداران مطیع و شیعیان واقعی است، دعایی که جمله جمله آن، نشان از روحیه خضوع و پرتلاش آنها داشته و البته یکی از ویژگی های ایشان انتظار دولت کریمه مهدوی است:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُقْتَنِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بَوْلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ؛ بَارِ خُدَايَا، تَحِيَّتِ وَ دُرُودِ فَرَسْتِ بَرِ دُوسْتَانِ اِيشَانِ(ائمه). آن اعتراف کنندگان به مقام و منزلت ایشان، آن پیروی کنندگان راه ایشان، آن پای نهندگان به جای پای ایشان، آن طالبان تمسک به رشته آیین ایشان، آن تمسک جویان به دوستی ایشان، آن پذیرندگان پیشوایی ایشان، آن تسلیم شوندگان به فرمان ایشان، آن کوشندگان در طاعت ایشان، آن منتظران دولت ایشان و آن چشم به راهان ظهور ایشان. تحیت و درودی مبارک، پاکیزه، فزاینده، در هر بامداد و هر شبانگاه.»[12]

1. مدیر گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهدویت قم.

2. عوالی اللالی، ج 4، ص 86.

3. الکافی، ج 2، ص 95.

4. سوره سبأ/ 13.

5. الکافی، ج 2، ص 464.

6. غرر الحکم، ص 117.

7. سوره اعراف/ 26.

8. الکافی، ج 2، ص 74-75.

9. الاحتجاج، ج 2، ص 495.

10. بحار الانوار، ج 8، ص 352.

11. سوره زخرف/ 13.

12. الصحيفة السجادية، دعای 47، ترجمه آیتی.